

جنگ حماسی ایرانی‌ها مقابل رژیم صهیونیستی موجی از احساسات مثبت را در کشورهای عربی برانگیخت

مِن قَلْبِی سلام لِطهران



ایمان عظیمی
جبهت‌نگار گروه فرهنگ

وقتی ایران جواب حملات وحشیانه رژیم صهیونی به کشور عزیزما درشامگاه ۲۳ خردادماه را با موشک‌هایش داد این فقط مردم ایران نبودند که از قدرت تخریب و نقطه‌زنی دقیق سَجیل‌های ما خوشحال شدند و سر از پا نشناختند، بلکه مردم کشورهای عربی و رسانه‌های قدرتمند و تأثیرگذار عربی هم به میدان آمدند تا با هدایت افکارعمومی خاورمیانه و جهان روایت دگرگونه‌ای از اوضاع ارائه دهند.
در این شرایط بود که جریان مسلط رسانه‌ای در غرب دیگر همچون سابق نمی‌توانست با ساخت روایت دلخواه سیاستمدارانش، مخاطب را فریب دهد، چون نیروی عزتمند نظامی ما در حال انجام کاری بود که اعراب سال‌ها آرزوی آن را داشتند و نمی‌خواستند

افکار عمومی مردم منطقه

محور ترامپ – نتانیاهو هیچ فکرش را نمی‌کرد که با آغاز عملیات غافل‌گیرکننده خود در تهران و باقی نقاط ایران در شامگاه بیست‌وسوم خرداد، افکار عمومی جهان عرب، از شیعه و سنی گرفته تا سکولار و حتی بازیگران مخالف رویکرد جمهوری اسلامی ایران را در حمایت از کشور ما به صف کند. اما این اتفاق راحت‌تر از چیزی که فکرش را می‌کردیم و می‌کردند رقم خورد و باعث محیوبیت بیش‌ازپیش ایران اسلامی در میان مردم منطقه و حتی جهان شد.
شاهزاده سعودی یعنی، «ترکی فیصل» که مواضع ضد ایرانی‌اش زباززد خاص و عام است هم پس از حمله نظامی آمریکا به فُردو از کشور ما حمایت کرد و گفت که اگر در جهانی عادلانه زندگی می‌کردیم باید به‌جای تأسیسات هسته‌ای ایران، «دیومنا» به‌عنوان تأسیسات هسته‌ای اسرائیل بمباران می‌شد. از طرفی افکار عمومی عرب هم بدون هیچ اما و اگر بُشت ایران قرار گرفتند و با پیام‌هایشان اتحاد امت اسلامی را به مردم جهان یادآور شدند. کار تا جایی پیش رفت که شیعیان عراق با در دست‌گرفتن عکس مقام‌معظم‌رهبری در بغداد، نجف، کربلا، بصره و... حمایت خویش از ایران را نشان دادند و علمای اهل‌تسنن هم در این مسیر، کشور و نیروی نظامی ما را در سکوت مرگبار دولت‌های عرب منطقه، تنها یارویاور مردم مظلوم غزه دانستند. هنرمندان، یوتیوبرها و بلاگرهای جهان عرب هم دست‌به‌کار شدند و در قالب ساخت کلیپ، نماهنگ و میم به استقبال موشک‌های ایرانی رفتند. این موج که با آغاز عملیات وعده صادق یک شکل گرفته بود، در جنگ میان ایران و رژیم کودک‌کش صهیونی شدت گرفت و رهبر معظم انقلاب آن‌طور که شایسته‌اش بود مورد لطف و مرحمت کاربران قرار گرفت. اقدامات نظامی ایران عزیز ما در مواجهه با دشمنان قسم‌خورده انسان به‌قدری موفق بود که تمام سبّو-تفاهم‌های پیشینی را کنار زد و جمهوری اسلامی را آن‌طور که لایقش بود در صف اول مقاومت با ظلم و استکبار قرار داد. به‌خصوص لبنان، عراق، فلسطین و حتی مصر تک‌به‌تک شروع به اعلام موضع کردند. در همان ساعات ابتدایی یعنی حوالی ساعت ۸ شب به وقت لبنان (به عنوان نزدیک‌ترین کشور به سرزمین‌های اشغالی) واکنش‌ها آغاز و فضای شبکه اجتماعی ایکس پر از تصاویر موشک‌های ایرانی شد که از بالای لبنان و عراق می‌گذشتند. علی

فرصت میدان‌داری در چنین شرایطی را از دست بدهند. رژیم صهیونیستی در طول تاریخ کوتاه و بی‌آبرویش هیچ‌گاه تا این حد در لاک دفاعی فرو نرفته و طعم شکست را نچشیده بود، اما ایران اسلامی در هنگامه جنگ کربلایی غزه تنها از تمامیت ارضی‌اش دفاع کرد، بلکه به کشورهای عرب همسایه فلسطین اشغالی و حُکام آن نشان داد که مقابله با نیروی نیابتی ایالات متحده، جز تأکید و ایمان بر ظرفیت‌های داخلی ممکن نیست. شاید مسئولان این کشورها هنوز در خواب ناز معامله با نتانیاهو و ترامپ باشند، اما مردم و آن‌ها که وظیفه اداره رسانه‌های عربی را برعهده دارند خوب می‌دانند که برای برخورداری از فردایی بهتر باید ایران را در رفتارهای بین‌المللی خویش الگو قرار دهند. در ادامه به نوع پوشش خبری شبکه‌های عربی از جنگ تحمیلی ۱۲روزه و اتفاقات پیوسسته به آن اشاره خواهیم کرد.

الجزیره

در میان رسانه‌های عربی هیچ شبکه‌ای به میزان «الجزیره» بر افکار عمومی مردم عرب منطقه اثرگذار نیست. الجزیره از آغاز عملیات طوفان الاقصی وارد فصل جدیدی از فعالیت‌های خود شد و توانست موج تلویزیون‌های غربی را در پوشش‌دادن اخبار جنگ بخواباند. اوضاع به‌گونه‌ای پیش رفت که حتی طیف قابل‌توجهی از تلویزیون‌ها و جراید داخلی نیز برای باخبر شدن از وضعیت مردم غزه به این شبکه قطری مراجعه می‌کردند. در طول جنگ نابرابر مردم مظلوم باریکه غزه با دشمنن کودک‌کش و خون‌ریز صهیونی، تعدادی از خبرنگاران الجزیره شهید و مجروح شدند تا برای جهانیان بیش‌ازپیش مشخص شود که صهیونیست‌ها در راستای رسیدن به منافعشان از انجام هیچ جنابتی نمی‌گذرند و حتی حاضر نیستند چهره خویش را ب‌زک کنند. الجزیره همان قدر که در پوشش اتفاقات غزه موفق عمل کرد، در روایتش از جنگ حزب‌الله و رژیم صهیونیستی ناموفق بود، چون جهاد سیدحسین نصرالله علیه اسرائیل جنایت‌کار را اسیر افکار مذهبی و فرقه‌ای که به آن علاقه داشت کرد و در این آزمون شکست خورد. آتش جنگ تحمیلی ایران و اسرائیل غاصب اما معادلات را دوباره تغییر داد و باعث شد تا نظر مردم منطقه به‌خصوص شیعیان و بخشی از افکار عمومی ایرانیان به آن بازگردد. در مواجهه با پوشش رسانه‌ای جنگ تحمیلی ۱۲روزه ما و طرف مقابل از جانب الجزیره باید تلویزیون عربی، کانال تلگرامی فارسی‌زبان و همین‌طور صفحه مجازی آن در اینستاگرام را به طور مجزا موردبررسی قرار داد.

کانال فارسی‌زبان الجزیره در تلگرام حدود هفت ساعت پس از ترور فرماندهان سپاه، دانشمندان هسته‌ای و فحله صهیونیست‌ها به زیرساخت‌های ما وارد عمل شد و کارش را آغاز کرد. الجزیره به فارسی در تلگرام ۱۸ هزار عضو دارد و بر پست آن به‌طور میانگین ۱۰ هزار بازدید می‌گیرد. این کانال هرچند در میان کاربران ایرانی مرجع محسوب نمی‌شود، اما به‌عنوان نماینده یک رسانه معتبر جهانی، مخاطب را با رفتار الجزیره آشنا می‌کند. جنگ میان ایران اسلامی

العربیه

در بین رسانه‌های جریان اصلی عرب منطقه، «العربیه» پرچم‌دار مخالفت با جمهوری اسلامی ایران است و سعی می‌کند مدل مواجهه‌اش با اخبار کشور ما را با رفتار سیاسی حکام سعودی به شیوه‌ای کاملاً هماهنگ پیش ببرد. در زمانی که بن سلمان به‌عنوان ولیعهد عربستان زمام امور را به دست گرفت، العربیه، چه در بخش‌های عربی و انگلیسی خود و چه در بخش پیرامونی فارسی‌اش فرق چندانی با ایران‌اینترنشنال نداشت و به شکلی کاملاً نهاجمی به اتفاقات ایران واکنش نشان می‌داد. اما پس از توافق بهار ۱۴۰۲ ورق برگشت تا احترامی ولو شکننده از حیث رسانه‌ای در العربیه شکل بگیرد. روایت این شبکه از جنگ ایران و رژیم صهیونی با نگرش الجزیره متفاوت بود و العربیه در ظاهر امر چندان تمایلی به هر دو طرف دیگر نشان نداد. مسئله‌ای که در اینجا اهمیت پیدا می‌کند این است که این شبکه در بخش فارسی خود در اینستاگرام از زاویه دید وزارت امور خارجه عربستان به قفسیه نگاه می‌کند و پس از برقراری آتش‌بس، تمایل عجیبی به اسزگ‌گیری مذاکرات

المیادین

وقتی شبکه‌های عربی و نحوه فعالیت آن‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم هیچ رسانه «جریان اصلی» به‌اندازه المیادین به جبهه مقاومت نزدیک نیست. این درست است که منابع مالی در اختیار این شبکه در مقایسه با الجزیره و العربیه چندان دندان‌گیر نیست، ولی تاکنون توانسته به‌عنوان یک آلترناتیو خود را به مخاطبانش معرفی کند و روزبه‌روز به محبوبیت خود نزد مردم درمند منطقه بیفزاید. در زمانی که جنگ تحمیلی دوازده‌روزه آغاز شد، المیادین در خط مقدم جنگ روایت‌ها قرار داشت و همچون گذشته از حقانیت ایران و محور مقاومت در برابر شیاطین دفاع کرد و اسیر عبارت گول‌زننده و شیک، اما پوک «بی‌طرفی» نشد. مردم لبنان به‌ویژه شیعیان برای رصد اخبار غیر مغرضانه از آغاز عملیات هفت اکتبر تا عملیات سه‌گانه «وعده صادق» به المیادین پناه بردند و اسیر نفوذ پروژه رسانه‌ای عربستان سعودی در میان اعراب نشدند. رسانه عربی المیادین در حال حاضر در پلتفرم اینستاگرام، ۴۱۷ هزار دنبال‌کننده دارد که در مقایسه با الجزیره و العربیه عدد چشم‌گیری نیست، ولی وقتی به تعداد لایک‌ها و کامنت‌های آن نگاه می‌اندازیم مترجه می‌شویم این شبکه توانسته در فضای مجازی تلویزیون‌های پان عرب منطقه را به رقابت دعوت کند و در جنگ روایت‌ها حرف‌های زیادی برای

و نشر اعظم که شروع شد، تلگرام الجزیره به فارسی هم به مرور در وضعیت جنگی قرار گرفت و اخبار را به سسمع و نظر اعضایش رساند. شیوه پوشش رسانه‌ای به‌گونه‌ای بود که می‌شد فهمید شبکه عربی‌سی تمایل زیادی به پیروزی ما در این نبرد نابرابر دارد. وضع در تلویزیون الجزیره و اینستاگرام ۱۱ میلیونی آن هم به همین شکل بود. خبر بر خورد موشک‌های ایرانی به تل‌آویو، حیفاً و دیگر نقاط فلسطین اشغالی به حدی زیاد بود که عملاً پوشش باقی اتفاقات را به مسئله‌ای حاشیه‌ای تبدیل کرد. کاربران ایرانی نیز در رفت‌وآمد به صفحه اینستاگرام الجزیره از بازخورد موفقیت‌های نظامی سربازان جان بر کف وطن به وجود آمدند و ترجمه چند کلمه فارسی به عربی، نظیر «صورایخ» را به یادگار فرا گرفتند. سال‌ها پیش «بی‌بی‌سی فارسی» در گزارشی تحت عنوان «الجزیره، رسانه‌ای که موج با خودش برد» به‌نقد عملکرد الجزیره پرداخت و نحوه مواجهه آن با اخبار مربوط به جنگ افغانستان را مغرضانه و ضدآمریکایی قلمداد کرد. مهردادفرهمند، به‌عنوان نویسنده گزارش مربوطه درحالی شبکه عربی را به‌تندی نقد می‌کرد که بی‌بی‌سی در مقام یک رسانه تماماً استعماری در صورت لزوم نه‌تنها معیارهای روزنامه‌نگاری را زیر پا می‌گذاشت و همچنان می‌گذارد، بلکه در اشاره به اتفاقات جنگ ۱۲روزه صراحتاً کنار دولت غاصب صهیونیستی قرار می‌گیرد و بازوی رسانه‌ای نتانیاهو می‌شود. ای‌کاش شبکه‌های بیگانه، مانند د تروریستی فارسی‌زبان هم اندکی از الجزیره کار درست و تمیز روزنامه‌نگاری را یاد می‌گرفتند تا به این حال‌وروز دچار نشوند. پایان کار الجزیره با اتفاقات ایران البته به این نقطه، یعنی آغاز آتش‌بس ختم نشد. حضور سیاسی و غرور آفرین رهبر معظم انقلاب در شب عاشورا در حسینیه امام‌خیمینی (ره) باعث شد تا شبکه عربی بخش عادی برنامه‌های خود را قطع کند و به پوشش این خبر مهم بپردازد. هرچند به دلیل ملاحظات که پیش‌تر به آن اشاره کردیم، فضای مجازی این شبکه واکنشی به برنامه بیت در شب عاشورای حسینی نشان نداد.

میان ایران با آژانس، تروئیکای اروپایی و آمریکا دارد. تأکید ویژه العربیه هم روی اخباری است که توسط منابع بی‌نام‌ونشان مخابره می‌شوند و بر تمایل مسئولان ما بر ادامه همکاری با غرب حکایت دارند؛ محتوایی که می‌شود با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت حکم به دروغ بودن آن‌ها داد. العربیه، با وجود اینکه رقیب الجزیره محسوب می‌شود، اما برد رسانه‌ای چندانی در میان افکار عمومی مردم عرب منطقه و همین‌طور دیگر نقاط دنیا ندارد و سال‌هاست که قافیه را به همسایه حرفه‌ای تر قطری‌اش باخته است. اتفاقات جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی، معطو دولت بشار اسد در سوریه، حملات موشکی یمن به خاک اراضی اشغالی، مسائل روز لبنان و... را کافی است با عینک غبارگرفته العربیه مرور کنیم تا متوجه شویم رسانه سعودی تا چه حد عقب‌افتاده و مدله به نظر می‌رسد و بودجه‌های گزاف میلیون دلاری‌اش هم توانسته‌کاری از بیش ببرد. اینجااست که ارزش عملکرد دقیق‌تر و حرفه‌ای‌تر الجزیره در مقایسه با دیگری مشخص می‌شود.

گفتن داشته باشد. حتی بخش فارسی المیادین در تلگرام هم پرونق است و نظر تعداد قابل توجهی از کاربران این شبکه اجتماعی را به خود جلب کرده است. کافی است به ادبیات مجریان این شبکه، به‌ویژه در جنگ میان ایران و صهیونیست‌ها توجه کنیم تا بسبای از حقایق برای ما روشن‌شده و مرز میان دوست و دشمن را بهتر درک کنیم. المیادین برخلاف الجزیره و به‌خصوص العربیه از رهبر معظم انقلاب اسلامی با عنوان شایسته احترام «قاند» یاد می‌کند و از پرواز موشک‌های ما بر فراز بیت‌المقدس حماسه می‌سازد. این کاری است که باقی شبکه‌ها انجامش نمی‌دهند و در یک بی‌طرفی مزورانه، گاه جانب دشمن ما و خود را می‌گیرند! این درحالی است که اگر می‌خواهند «خوب» زندگی کنند و از شر اسرائیل در منطقه خلاص شوند، باید پروتکل‌های جدید رسانه‌ای به وجود بیاورند و گسل‌های قومیتی و مذهبی را فاعل نکنند. این همان اتفاقی است که انجام و پیشبرد آن به جز رژیم صهیونی هیچ‌برنده دیگری ندارد! در این شرایط است که شبکه لبنانی می‌تواند به‌عنوان یک الگو معرفی شود و خط‌مشی خود را به دیگر طرف‌های درگیر انتقال دهد. به وقت مقابله با نیروی نیابتی آمریکا در منطقه باید پشت کشورهای اسلامی قرار گرفت و به دشمن قسم‌خورده پشت کرد.

